



فرهنگ فال و طالع بینی در دوره صفویه با استناد بر غزلیات محسن تأثیر تبریزی و فالنامه محفوظ در موزه توپقاپی سرای استانبول

پرستو سیدالماسی^۱ ID، ملک محمد فرخ زاد^۲ ID، رضا حیدری نوری^۳ ID

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران، p.seyedalmasi@gmail.com
^۲ (نویسنده مسئول) استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران، mmfzad@yahoo.com
^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران، r.nouri@gmail.com

چکیده

متون نظم و نثر ادب فارسی علاوه بر دارا بودن مضامین زیبای ادبی، مذهبی، اخلاقی، علمی و ... دربردارنده اطلاعات مفیدی در خصوص اجتماعات و طرز زندگی ایرانیان در قرون گذشته و حال هستند. در متون نظم عصر صفویه که مقارن با ظهور سبک هندی در شعر فارسی است، شاهد نمود بیشتر عناصر گوناگون فرهنگ عامه از جمله، فرهنگ اعتقاد به فال و طالع هستیم. در این میان، کتاب فالنامه یکی از آثار فاخر ادبی دوره صفویه است که به شکل نسخ مصور نیز وجود دارد و نسخه‌ای از آن در موزه توپقاپی سرای استانبول نگهداری می‌شود. محسن تأثیر تبریزی نیز از شاعران با ذوق عصر صفویه در غزلیاتش اشارات زیادی به مسائل مرتبط با فرهنگ عامه از جمله باورها، رسوم، نحوه زندگی مردم، زبان محاوره و... دارد؛ بنابراین در این پژوهش سعی خواهد شد پس از اشاره به اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر تأثیر تبریزی و بیان علل نفوذ چشمگیر فرهنگ عامه در شعر این دوره، به بازتاب فرهنگ فال و طالع در غزل‌های او بپردازیم؛ و با ارائه نمونه‌هایی از ابیات، زیبایی‌های شعر وی و دیدگاهش را در این خصوص نشان دهیم همچنین تأکیدی داشته باشیم به اهمیت مطالعات ادب فارسی در جهت احیا و حفظ فرهنگ عامه ایران. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر در آمده است. یافته‌های پژوهش حاکی از نقش پررنگ فرهنگ عامیانه فال‌بینی در آثار تأثیر تبریزی و فالنامه مصور موجود در موزه توپقاپی سرای استانبول است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی بازتاب انواع طالع‌بینی و ابزار آن در غزلیات تأثیر تبریزی.
۲. بررسی بازتاب انواع فال و استخاره در غزلیات تأثیر تبریزی.

سؤالات پژوهش:

۱. بازتاب انواع طالع‌بینی و ابزار آن در غزلیات تأثیر تبریزی چگونه است؟
۲. بازتاب انواع فال و استخاره در غزلیات تأثیر تبریزی چگونه است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۷

دوره ۱۹

صفحه ۶۳۶ الی ۶۵۱

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶

تاریخ داوری: ۱۴۰۱/۰۲/۱۲

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۹/۰۱

کلمات کلیدی

عهد صفویه، فرهنگ عامه، تأثیر تبریزی، فال، طالع‌بینی،

ارجاع به این مقاله

سیدالماسی، پرستو، فرخزاد، ملک محمد، حیدری نوری، رضا. (۱۴۰۱). فرهنگ فال و طالع بینی در دوره صفوی با استناد بر غزلیات محسن تأثیر تبریزی و فالنامه محفوظ در موزه توپقاپی سرای استانبول. مطالعات هنر اسلامی، ۱۹ (۴۷)، ۶۳۶-۶۵۱.



[dori.net/dor/20.1001.1.1735708.1401.19.47.37.5](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1401.19.47.37.5)



dx.doi.org/10.22034/IAS.2022.345822.1982

* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه دکتری خانم پرستو سیدالماسی بوده که با راهنمایی دکتر ملک محمد فرخزاد و مشاوره دکتر رضا حیدری نوری در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه دست انجام است.



مقدمه

فرهنگ عامه، دانشی عمومی است که مسائل روزمره زندگی مردم از قبیل اعتقادات، آداب و رسوم، سنت‌ها، سرگرمی‌ها و معیارهای رفتاری و زیبایی‌شناسی آن‌ها را در برمی‌گیرد. فرهنگ عامه در تاروپود جامعه ریشه دارد. در واقع طرز تلقی انسان سنتی از جهان و زندگی محسوب می‌شود. ملت‌های پیشین بیش از ملت‌های جوان، اعتقادات و خرافات دارند، زیرا آن‌ها با نژادها و ادیان گوناگون پیوند خورده‌اند؛ در نتیجه آمیزش و تماس، عادات، اخلاق و آیین‌هایشان، افکار و خرافات تازه‌تری را به وجود آورده‌اند که نسل به نسل بر سر زبان‌ها مانده است. سرزمین ایران هم با داشتن اقوام مختلف و تاریخی دارای فرهنگ غنی از باورهای عامیانه است که قدمت آن هم پای سرگذشت آنان است، مانند کلدانی‌ها، آشوری‌ها و... از این‌رو کوش و پژوهش درباره اعتقادات عوام آن، نه تنها از لحاظ علمی و روانشناسی قابل توجه است، بلکه برخی از نکات تاریخی و فلسفی را برایمان روشن خواهد کرد. پس از تحقیق و مقایسه این خرافات با خرافات سایر ملل، می‌توانیم به ریشه و مبدأ آداب و رسوم، ادیان، افسانه‌ها و اعتقادات مختلف پی ببریم.

ادبیات عهد صفوی به علت ویژگی‌های خاص خود، محملی مناسب برای انعکاس جلوه‌های فرهنگ عامه است، زیرا یکی از دوره‌های تاریخی که در آن شعر فارسی، تغییرات و تحولات اساسی پیدا کرده، قرن یازدهم و دوازدهم هجری است. در این دوره، شعر راه و سبک تازه‌ای به نام سبک هندی یا اصفهانی در پیش می‌گیرد و به لایه‌های درونی اجتماع سرایت می‌کند. این نکته شرایط را برای ورود بخش عمده‌ای از فرهنگ عامه به شعر فراهم می‌کند که به لحاظ جامعه‌شناسی بسیار مهم است (خسروی، ۱۳۹۷: ۱۱۸). شاعران برخاسته از دل توده‌های مردم و زبان نزدیک به کوچه و بازار در اشعار این شاعران راه را برای گسترش استفاده از فرهنگ هموار ساخته است. این امر در کنار غنای فرهنگ چندین هزارساله ملت ایران سبب شده دیوان شاعران عهد صفوی بیش از سایر ادوار شعر فارسی مشحون از کنایات، اصطلاحات، تلمیحات و مظاهر دیگر فرهنگ عامه باشد. از میان معتقدات فرهنگی اعتقاد به فال و طالع از دیرباز وجود داشته و سراسر تاریخ گواه آن است. فال‌بینی و طالع‌بینی از قدیم در مشرق زمین رواج داشته و عامه مردم در مواقع دودلی، نگرانی و درماندگی به راهنمایی کاهنان و ساحران به آن روی می‌آوردند. فالگیران از هر چیزی که بتوان آن را از قلمرو خواست و اراده انسان خارج شمرد برای استدلال به اشارات غیبی بهره می‌گرفتند؛ بدین‌گونه هر نشانه را که می‌توانست با دنیای غیب مربوط پنداشته شود منشاء فال می‌شناختند. شعرا و نویسندگان در آثارشان بازتاب گسترده‌ای از فرهنگ مردم زمان خود را به نمایش گذاشته‌اند و انواع فالگیری‌ها و به فال نیک و بد داشتن بعضی چیزها را که در عصرشان معمول بوده در کتب خویش آورده‌اند. از جمله بزرگان ادب پارسی که به زیبایی در اشعارش به مسائل فرهنگی پرداخته محسن تأثیر تبریزی است. تأثیر تبریزی از شاعران بزرگ سبک هندی است که بسیار زیبا و باذوق، فرهنگ عصر خود را در اشعارش منعکس کرده است. وی مفاهیم گوناگون فرهنگ عامه را در قالب آفرینش‌های بلاغی و هنرنمایی معانی ادبی در اشعارش نمود داده است. در این پژوهش سعی خواهد شد دیدگاه این شاعر بزرگ نسبت به فرهنگ فال و طالع در دوره شاعر و بازتاب آن بررسی شود.

روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی است. نگارندگان ابتدا با بررسی بیت به بیت غزلیات دیوان محسن تأثیر تبریزی، تصحیح امین پاشا اجلالی، ابیات مرتبط با فال و طالع را استخراج نموده سپس با دسته‌بندی موضوعی و مراجعه به منابع و مآخذ موجود در کتابخانه، به بررسی بازتاب فرهنگ فال و طالع در ابیات غزلیات پرداخته‌اند. از آنجاکه درون‌مایه هر اثر از اصول و قواعد حاکم بر هر دوره تشکیل شده و باتوجه به اهمیت فرهنگ عامه

به‌عنوان جزء تفکیک‌ناپذیر متون ادبی؛ مطالعه دیوان محسن تأثیر تبریزی از این منشور خالی از لطف نیست. از این روی بررسی و تحلیل اشعار وی از این منظر درک درستی از عقاید و دیدگاه‌های حاکم به مقوله فال و طالع در دوره صفویه به‌دست می‌آید و در حل دشواری‌های اشعار وی در این خصوص، ضروری می‌نماید.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون در خصوص جنبه‌های مختلف شعری این شاعر با ذوق، تحقیقات بسیار اندکی انجام شده است؛ به‌طوری‌که در مورد جلوه‌های فرهنگ عامه در شعر تأثیر تبریزی پژوهشی صورت نگرفته است. بنابراین در این پژوهش سعی خواهد شد پس از بیان علل نفوذ گسترده فرهنگ عامه در شعر دوره صفویه به چگونگی انعکاس فال و طالع که از عناصر فرهنگ عامه است در غزل‌های تأثیر تبریزی پرداخته شود و بدین طریق میزان هنرمندی این شاعر در به‌کارگیری این ویژگی بارز سبکی نشان داده شود و از طرفی به اهمیت اشعار فارسی دوره صفویه در مطالعات فرهنگ عامه تأکید گردد.

۱. جایگاه فرهنگ عامه در شعر دوره صفویه

ظهور صفویان، یکی از مهم‌ترین رویدادها و نقطه عطفی در تاریخ ایران محسوب می‌شود. صفویان توانستند پس از دوران هرج و مرج و فترتی که ایران را برای مدت طولانی، فراگرفته بود حکومتی متمرکز و مستقل تشکیل دهند. قدرت‌گیری آنان به شکل دولتی ملی، موجب تحول در نظام سیاسی ایران شد. اهمیت ظهور این سلسله نه تنها از لحاظ سیاسی قابل تأمل و بررسی است؛ بلکه از جنبه علمی و فرهنگی نیز از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. در این دوره تاریخی، هویت ملی ایران شکل گرفت و شالوده‌های فکری، اجتماعی و فرهنگی جدید ایران بنیان گذاشته شد. در شرایط جدید در حوزه مسائل اجتماعی و فرهنگی تحولات چشمگیری صورت پذیرفت که متأثر از فضای مذهبی، فرهنگی و اجتماعی و سیاسی حاکم بر ایران بود. یکی از ابعاد این موضوع توجه بیش از پیش به فرهنگ عامه بود.

محققان ادب فارسی در خصوص علل نفوذ فرهنگ عامه در شعر دوره صفویه نظرات گوناگونی دارند، به‌طوری‌که گاه دیدگاه‌های آن‌ها در این خصوص برخلاف هم است؛ به بعضی از دلایل این نفوذ اشاره می‌شود:

۱- عدم حمایت دربار صفویه از اشعاری که در مدح شاهان سروده می‌شد، باعث دور شدن شعر از دربار و در نتیجه روی آوردن شعر به جامعه و مردمی شدن شعر شد (حائری، ۱۳۸۸: ۵۳). قهوه‌خانه‌ها مهم‌ترین محل تجمع شعرا بودند و شاعران آنجا در جمع مردم کوچه و بازار شعر می‌سرودند؛ بنابراین موضوعات مربوط به عوام را که در پیرامونشان مشاهده می‌کردند وارد شعر می‌کردند (همان: ۶۵؛ غنی‌پور و دیگران، ۱۳۸۷: ۴۸) البته برای اینکه شعر را تا حد فهم عوام پایین بیاورند نیز از مسائل مربوطه به عامه در شعر خود سخن به میان می‌آوردند.

۲- به علت مردمی شدن شعر، صاحبان مشاغل مختلف هم دست به شاعری زدند؛ این شعرا اکثراً کفاش طبیب، فقیه و ... بودند و بالطبع مضامین عامیانه هم بیشتر وارد شعر شد (حائری، ۱۳۸۸: ۴۸).

۳- عده‌ای معتقدند شاعران این دوره می‌کوشیدند تا شعر خود را از شبیه شدن به اشعار شعرای قبل حفظ کنند (همان: ۸۵۰)؛ شاید به همین جهت در غزل‌هایشان فراوان به فرهنگ عامه اشاره کرده‌اند تا غزل‌هایشان با غزل‌های دوره‌های قبل متفاوت باشد.

۴- برخی از پژوهشگران نیز بر این باورند که در این دوره اندیشه خاص عرفانی و فلسفی و ... وجود نداشته است (طاهری، ۱۳۸۹: ۸۸-۸۷)؛ بنابراین شاید این مسئله هم عاملی بوده تا از موضوعات پیش پا افتاده روزانه در سرودن شعر بهره بگیرند.

۵- برخی از محققان نیز اظهار داشته‌اند که شعرای بومی هند آشنایی کافی با زبان محاوره فارسی نداشته‌اند و بین شعرای ایرانی و شاعران بومی این سرزمین نوعی رقابت بر سر شعر هرچه ایرانی‌تر وجود داشته است (کاردرگر، ۱۳۹۰: ۹۰). شاید شعرای ایرانی با اشاره به مسائل زندگی روزمره ایرانیان خواسته‌اند در این رقابت پیروز شوند. هیچکدام از موارد بالا را به تنهایی نمی‌توان عاملی برای نفوذ فرهنگ عامه به صورت گسترده در شعر دوره صفویه دانست؛ بی‌شک مجموعه این عوامل باعث این امر گردیده.

۲. معرفی تأثیر تبریزی

تأثیر تبریزی یکی از شاعران با ذوق سبک هندی است؛ نام او محسن و لقبش تأثیر است؛ اجدادش در زمان شاه‌عباس اول از تبریز به اصفهان کوچ کردند و در این شهر ساکن شدند. تأثیر در سال ۱۶۵۰م در این شهر به دنیا آمد ولی همواره خود را تبریزی می‌دانست.

وی در شهر اصفهان که در آن روزگار مرکز حکومت سلاطین شیعی و یکی از کانون‌های معتبر فرهنگی و دانش اسلامی بود، در مدارس دینی در محضر استادان و بزرگان دانشمند نظیر آقا حسین خوانساری به فراگرفتن علوم متداوله از قرآن و حدیث و فقه و تفسیر پرداخته و در فضای علمی و دینی پرورش یافته است. این فراگرفته‌ها و آموخته‌های شاعر سپس در اشعار و سخنان وی انعکاس یافته است. مطالعه آثار وی نشان می‌دهد که وی با علوم قرآن و حدیث و مسائل دینی به‌ویژه با فرهنگ و معتقدات مذهب تشیع آشنایی وسیع داشته است. این تبحر و شناخت وی موجب آن شده که آثار وی به‌خصوص قصاید و مثنویاتش مجموعه‌ای ارزنده حاوی مطالب و مسائل شیعه امامیه باشد؛ قصایدش در ستایش خدا و نعت رسول اکرم (ص) و خاندان عصمت و طهارت توأم با اشارات قرآنی و احادیث سروده شده است. مراثنی که به تقلید از محتشم کاشانی در ذکر - در بلا سروده است، از نمونه‌های ممتاز این نوع شعر محسوب می‌شود و صحنه‌های سوزناک واقعه کربلا و وقایع اتفاق افتاده را استادانه و از سر درد و اشتیاق بیان کرده است.

او هم‌عصر صائب تبریزی بود. تأثیر، علوم متداول عصر مانند قرآن و فقه و تفسیر و طب و نجوم را در زادگاهش آموخت. وی سال‌های طولانی از طرف حکومت صفویه در شهر یزد شغل دیوانی داشته است و مدت زیادی از عمر خود را در آنجا گذرانده است. وی مانند بیشتر شعرای عهد صفویه آرزوی رفتن به هند را داشت ولی هرگز به آرزویش نرسید. وی در سن ۶۹ سالگی درگذشت (تأثیر تبریزی، ۱۳۷۳: ۱-۲۱). او در قالب‌های قصیده، غزل، مثنوی و ... شعر سروده است. اگرچه اغلب شعرا خواه ناخواه مسائل اجتماعی اقتصادی و سیاسی زمان خود را در اشعارشان منعکس ساخته‌اند، ولی نفوذ مسائل مرتبط با فرهنگ عامیانه در شعر شاعران سبک هندی بسیار چشمگیر است؛ تا جایی که به عنوان یکی از ویژگی‌های بارز سبک هندی به‌شمار می‌رود. شعر تأثیر تبریزی خصوصاً غزل‌هایش نیز از این قاعده مستثنی نیستند و این ویژگی سبک هندی در ابیات غزل‌های این شاعر عصر صفوی نمود بارزی دارد.

۳. فرهنگ فال و طالع بینی

فال کلمه عربی است که به صورت فأل نوشته می شود و جمع آن فؤول و أفؤل است. فرهنگ المنجد، ذیل فال نوشته است: در فارسی به معنی شگون بوده و برشگون خوب و شگون بد هر دو اطلاق می شود. چنانکه فال نیک و فال سعد در مقابل فال بد و فال نامبارک به کار می رود. از جهت مفهوم کلی فال عبارتست از آنکه: سرنوشت انسان یا واقعه ای را که روی دادنی است از روی نشانه هایی که آن ها را امور غیبی می شمارند پیش گوئی کنند.

در نزد عرب، فال نشانه ای است که تأویل آن با خواست و کام انسان موافق باشد و آنچه خلاف آن باشد طیره گفته می شود اصمعی گفته است که از ابی عون پرسیدم فال چیست؟ گفت: آنکه رنجوری را صدای «یا سالم» به گوش آید و یا حاجت مندی صدای «یا واجد» بشنود. در واقع کسی که از صدایی یا نشانه ای چنین پندارد که از بیماری شفا می یابد و یا گمشده های را پیدا می کند فال زده است اما آن کس که از دیدن نشانه ای چنان به دلش در آید که از گرفتاری که دارد خلاص نمی یابد یا فلان چیز را از دست می دهد تطیر کرده است و این کار را عرب طیره می گوید نه فال. در حدیث آمده است که پیغمبر فال را دوست می داشت و طیره را مکروه می شمرد (زرین کوب، بی تا: ۲۵۷-۲۵۶).

در اعتقادات اسلامی به عواملی که در تصمیم سازی خردمندانه دخیلاند و عقل را در حقیقت یابی و شفاف اندیشی، مدد می رسانند، تأکید فراوان شده است که مهم ترین آن ها «مشورت» است. مشورت که همان «اندیشه جمعی» است بسیاری از گره های کوری را که عقل فردی قادر به گشودن آن ها نیست به راحتی می گشاید و بر نقاط تاریک، نور می تاباند. پیامبر خدا (ص) که عقل کل نامیده شده، از طرف خدا موظف بود که در برخی از کارها با اصحاب خود مشورت کند؛ چنان که خداوند متعال در آیه ۱۵۹، سوره آل عمران خطاب به رسول خدا می فرماید: «و شاورهم فی الامر؛ در کارها با آنان مشورت کن» حضرت علی (ع) در کلمات قصار نهج البلاغه (فیض الاسلام، ۱۳۶۵: ۱۱۰۲) نیز چنین آمده که: «لاظہیر کالمشاوَره» با مشورت، نقص عقل فردی تا حدود زیادی جبران می شود و مجموعه ای از اطلاعات و تجربیات گرانبها که دیگران در طی سال های بسیار بدانها دست یافته اند، به آسانی در دسترس قرار می گیرد.

اما بسیار اتفاق افتاده است که پس از تفکر و مشورت، باز هم در تردیدیم و توان تصمیم قاطع را در خود نمی بینیم، در این هنگام عقل و شرع توصیه می کنند که به مشورتی دیگر دست زنیم ولی این بار با عقل بی نهایت و آگاه مطلق و خداوندگار هستی، همو که بر نیک و بد بندگان آگاه است و خیر همگان را می خواهد. این گونه مشورت و خیر طلبی همان چیزی است که در فرهنگ اسلامی «استخاره» نام دارد (طریقه دار، ۱۳۷۹: ۱۱۸).

در لغت «استخاره خواستن بهترین امرین، بهترین خواستن، طلب خیر کردن، نیکویی جستن است» (منتهی الارب، ذیل استخاره).

درواقع استخاره فال شرعی است و این نام بر بعضی انواع فال چون فال قرآن، فال تسبیح، فال امام جعفر صادق (ع) و فال ذات الرقاع اطلاق می شود. متشرعان و دین پروران اینگونه فال ها را مستحب شمرده اند (زرین کوب، بی تا: ۲۶۵).

۴. بازتاب فرهنگ فال و طالع در غزلیات تأثیر تبریزی فال و فالنامه مصور موزه توپ‌قاپی سرای استانبول

۴.۱. فال قرآن و استخاره با قرآن

فال قرآن، چنانکه از احادیث و روایات گوناگون بر می‌آید در بین مسلمانان سابقه‌ای دراز دارد. بعضی نسخه‌های بسیار قدیم قرآن نیز درین باب حاوی راهنمایی‌هاییست (زرین کوب، بی تا: ۲۶۶). درباره آداب استخاره با قرآن از رسول خدا نقل شده است که فرمود: هنگام استخاره با قرآن، ابتدا سه بار سوره توحید را بخوان، سپس سه بار صلوات بر محمد و آتش بفرست سپس بگو: «اللهم تغالبت بکتابک و توکلت علیک/ فارنی من کتابک ماهو مکتوم من سرک المکنون فی غیبک» یعنی: «خدایا به کتاب تو تغالبت می‌زنم، و بر تو توکل می‌کنم و از کتاب آنچه را که در نهان غیب تو، پوشیده شده به من بنمایان». پس از این دعا، قرآن را بگشا و از سطر اول، صفحه سمت راست، مقصود خود را به دست آور (مجلسی، ۱۳۶۹: ۴۴). در تصویر شماره ۱ که مربوط به فالنامه دوره صفوی است از متن قرآن برای تفأل استفاده شده است.



تصویر ۱: برگه متن فال مربوط به نگاره بهار کوثر. فالنامه فارسی موزه توپ‌قاپی سرای. مأخذ: (اخوانی، محمودی: ۱۳۹۸).

همان به مصحف روی تو استخاره کنم (بیت ۱، غزل ۱۱۲۱):

به روی غیر تو گر قصد یک نظاره کنم

(۶۲۵)

همه خوب آید استخاره من (بیت ۳، غزل ۱۲۷۶: ۶۷۸)

مصحف و سبجهام خط و خالست

۴،۲. استخاره با تسبیح

در استخاره با تسبیح، نخست نیت می‌کنند و چشم را می‌بندند، بعد به اندازه ثلث دانه‌های تسبیح یا کمتر از آن را در فاصله انگشتان دو دست خویش می‌گیرند؛ این مقدار را دودانه دودانه طرح می‌کنند. در آخر اگر یک دانه ماند علامت خیر می‌دانند و اگر دو تا ماند علامت شر. در بعضی موارد، این دانه‌ها را سه به سه طرح می‌کنند که به ترتیب اولی خیر، دومی شر و سومی میانه شمرده می‌شود. نیز بعضی در شمردن دانه‌های تسبیح هر قدر که از آن دانه‌ها بین دو انگشت مانده است، آن‌ها را فقط تا به آن دانه بزرگ که آن را امام می‌خوانند می‌شمارند و خیر و شر جواب را تا آنجا تعیین می‌کنند (زرین کوب، بی تا: ۲۶۶ و ۲۶۷) هانری ماسه شیوه استخاره با تسبیح را این گونه بیان می‌کند:

تسبیح را به دست چپ می‌گیرند، چشم‌ها را می‌بندند و با دست راست قسمتی از تسبیح را سوا می‌کنند و دانه‌های سوا شده را می‌شمارند؛ اگر یک دانه باقی ماند، خوب است و اگر دودانه باقی ماند، بد و یا اینکه دانه‌ها را یک به یک می‌شمارند و موقع دست بردن به دانه اول می‌گویند: «سبحان الله» و این خوب است؛ دومی: «الحمد لله» متوسط و سومی: «لا اله الا الله» بد است. آخرین دانه هر چه باشد، پاسخ آن سؤال خواهد بود» (ماسه، ۱۳۵۷: ۴۴۱).

کلارا کولیور رایس در سفرنامه خود استخاره کردن ایرانیان با تسبیح را چنین توصیف می‌کند: «وقتی با تسبیح استخاره می‌کنند آن را با یک دست می‌گیرند، سوره فاتحه کتاب را تلاوت و بر تسبیح فوت می‌کنند تا روح فاتحه را به آن وارد سازند؛ آنگاه یکی از دانه‌ها را با دست می‌گیرند و از آنجا به سمت شاهد شروع به شمارش می‌کنند و به ترتیب، خدا، محمد، ابوجهل و یا آدم، حوا و مار می‌گویند. اگر شمارش دانه‌ها با آخرین لفظ به اتمام رسید، بد است و اگر به لفظ میانی خاتمه یافت، چون اطمینانی بر آن نیست، عموماً دوباره استخاره می‌کنند. در مورد بسیاری مسائل جزئی، مثلاً رفتن به یک بیمارستان که به دست خارجیان اداره می‌شود؛ به این ترتیب، استخاره می‌کنند. اگر استخاره راه دهد و خوب بیاید و مریض به بیمارستان برود، احتمال دارد دستور جراحی یا دارو داده شود؛ اما پیش از توافق در این باب باید دوباره استخاره شود. گاه هفته‌ها شیشه‌های دارو روی طاقچه می‌ماند، زیرا استخاره به مصرف آن‌ها راه نداده است» (کلیور رایس، ۱۳۸۳: ۱۸۰ و ۱۸۱).

علامه مجلسی می‌فرماید: «پدرم از شیخ بهایی، نقل می‌فرمود که: ما دست به دست از مشایخ خود شنیده‌ایم که حضرت صاحب الامر - صلوات الله علیه - در مورد استخاره با تسبیح روایت می‌کردند که: سه مرتبه بر محمد و آل محمد، صلوات بفرست، سپس میانه تسبیح را بگیر و دو تا دو تا رد کن، اگر آخری جفت آمد، بد است و اگر طاق آمد، خوب است» (مجلسی، ۱۳۶۹: ۵۲).

گر همه زوجست فرد اولست (بیت ۲، غزل ۲۲۸، ۳۰۶).

دانه تسبیح من در فال عشق

۴،۳. استخاره ذات الرقاع

امام صادق فرمود: هرگاه اراده کاری نمودی، شش عدد کاغذ بردار، در سه تا از آن کاغذها بنویس: بسم الله الرحمن الرحیم. خیره من الله العزیز الحکیم لخلان بن فلانه (مثلاً لاحمد بن خدیجه) افعله و در سه تای دیگر بنویس:

بسم الله الرحمن الرحیم. خیره من الله العزیز الحکیم لخلان بن فلانه (مثلاً لاحمد بن خدیجه) افعل. آنگاه این شش کاغذ را زیر سجاده خود بگذار، سپس برخیز و دو رکعت نماز بخوان پس از نماز به سجده برو و در سجده صد بار بگو:

استخیر الله برحمته فی عافیه سپس سراز سجده بردار و راست بنشین و بگو: اللهم خیرلی و اخترلی فی جمیع اموری فی یسر منک و عافیه یعنی: خدایا برای من خیرگردان و انتخاب کن در همه امورم در مورد آسایش و عافیت از جانب.

سپس با دست خود، آن شش کاغذ را از زیر سجاده بیرون بیاور و مخلوط کن، آنگاه یکی از آنها را بردار و سپس یکی دیگر را بردار و سپس سومی را بردار، اگر در هر سه، پشت سرهم نوشته بود: «لاتفعل: انجام مده» پس تو انجام نده و اگر در هر سه نوشته بود: افعال: انجام بده پس تو انجام بده. و اگر مخلوط بود یعنی به این صورت که: در اولی نوشته بود افعال و در دومی نوشته بود لاتفعل، در این صورت تا پنج عدد کاغذ را بیرون بیاور، و در میان آن پنج عدد هرگاه در اکثر آنها (هر چه نوشته بود، همان را انجام بده و ششمین کاغذ را ترک کن که نیازی به آن نداری) «قمی، ۱۳۸۰: ۳۷۰ و ۳۷۱».

من و لباس تجرد که خرقة پوشی من به استخاره ذات الرقاع خوب آمد (بیت ۴، غزل ۶۱۲، ۴۴۴)

۴،۴. فال گرفتن از رخ

در قدیم مردم دیدن چهره برخی افراد را به فال نیک و برخی دیگر را به فال بد می گرفتند. اغلب افرادی که دیدار آنها به فال نیک گرفته می شد دارای چهره زیبایی بودند و افرادی که دیدار آنها به فال بد گرفته می شد زشت و کریه منظر بودند. آنها داشتن روی زیبا را سعادت بزرگ می دانستند و معتقد بودند که دیدن روی نیکو بر احوال مردم همان تأثیری را می کند که سعادت کواکب سعد بر آسمان و می پنداشتند که آن بهره ایست از تأثیر کواکب سعد که به تقدیر ایزد تعالی به مردم می پیوندد. قدما بر این باور بودند که مشاهده چهره زیبا چهار خاصیت دارد: اول آنکه «روز خجسته کند بر بیننده»، دوم آنکه «عیش خوش گرداند» سوم آنکه «به جوانمردی و مروت راه دهد» و چهارم آنکه «به مال و جاه زیادت کند» و همچنین می گفتند که «دیدن روی زیبا پیر را جوان، جوان را رکودک و کودک را بهشتی کند» (خیام، ۱۳۷۹: ۷۱ و ۷۲).

چون کند دعوی خوبی رخ فرخ فالش شاهد فرع کند آینه را تمثالش (بیت ۱، غزل ۱۰۱۸، ۵۸۷)

۴،۵. فال گرفتن از گذر اختر

گذشتن اختر یا اختر گذشتن در فرهنگ های فارسی مضبوط نیست، مگر به صورت گذرا یا در ذیل مدخل مرغ آمین. شادروان غنی در این باب می نویسد: در آن وقتی که اختر (یعنی ستاره طالع یا ستاره مساعد) از نصف النهار یا یکی از درجات منطقه البروج، مثلاً درجه طالع شخص مفروض عبور کرد؛ زیرا در آن وقت است که انسان هر خواهش یا دعایی بکند یا فالی بزند برآورده می شود (خرمشاهی، ۱۳۶۶: ۶۳۸).

درگذر بود مگر اختر بختت تأثیر که رقیب آمد و از پیش تو منکوب گذشت (بیت ۵، غزل ۳۴۳، ۳۴۸)

۴،۶. فال گوش

در فال گوش گیرنده فال بعد از نیت، در شب چهارشنبه سوری و حتی در شب های دیگر نیز غالباً به طور ناشناس از خانه بیرون می آید و به گفت و گوی رهگذران گوش می دهد. از اولین سخنی که به گوش وی رسید فال می گیرد و بر نیک بد مقصود خویش استدلال می کند (زرین کوب، بی تا: ۲۶۹).

رخت ز حسن سفر کرده تا نشان گیرد ز خط کلید فکند و به فال گوش نشست (بیت ۲، غزل ۳۹۸، ۳۶۹)

۴،۷. فال گرفتن از دفتر

آدام الثاریوس در سفرنامه خود می‌گوید:

فالگیر سی یا چهل صفحه نازک که درازا و پهنای هر کدام به یک زول می‌رسد در مقابل خود می‌گسترده؛ در قسمت پایین این صفحات نوشته‌هایی دیده می‌شود؛ مشتری باید بر روی یکی از این صفحه‌ها پول بگذارد و نیت کند؛ حال اولین کاری که فالگیر می‌کند کاملاً معلوم است؛ او صفحه‌ای را که پول بر روی آن قرار دارد، ضمن خواندن چند ورد به طرف خود می‌کشد و به نوشته روی صفحه نظر می‌اندازد؛ کتابی با خود دارد که بسیار دراز و پهن است و قطر آن به سه چهار انگشت می‌رسد؛ صفحات این کتاب با اشکالی از فرشتگان، شیطان، اژدها و انواع مختلف جانوران و کرم‌ها به صورتی مهیب، ولی جالب نقاشی شده است. او کتاب را در دست می‌گیرد و چند بار زمزمه کنان آن را ورق می‌زند؛ بالاخره شکل مشخصی را در نظر می‌گیرد و صفحه‌ای را که پول بر آن قرار داشت در برابر این شکل می‌گذارد و از آینده سخن می‌گوید. من چند بار برای تماشا، به محل فالگیرها و رمال‌ها رفتم و دیدم که زنان باحجاب می‌آمدند و درباره چگونگی حال و وضع پسران خود که در سفر بودند سؤال می‌کردند که آیا به زودی باز خواهند گشت؟ آیا شوهران آنان زن دیگری با خود همراه خواهند آورد؟ همین‌طور درباره خوشبختی و بدبختی خود پرسش‌هایی مطرح می‌کردند؛ چند تن از آنان با قیافه‌ای شاد و چند تن دیگر مردد از آن‌جا دور می‌شدند» (الثاریوس، ۱۳۶۳: ۳۱۳).

عقد شبنم هر سحر از دفتر رنگین گل فال بی‌تابی به نام اشک بلبل می‌زند (بیت ۵، غزل ۷۴۵، ۴۹۰)

۴،۸. فال نیک و بد

شاید همیشه در میان انسان‌ها و اقوام مختلف، فال نیک و بد رواج داشته است؛ اموری را به فال نیک می‌گرفتند و دلیل بر پیروزی و پیشرفت کار می‌دانستند و اموری را به فال بد می‌گرفتند و دلیل بر شکست و ناکامی و عدم پیروزی می‌پنداشتند؛ در روایات اسلامی از فال نیک نهی شده؛ اما فال بد به شدت محکوم گردیده است. فال نیک و بد حتی در کشورهای پیشرفته صنعتی و در میان افراد به اصطلاح روشنفکر و حتی نوابغ معروف وجود داشته و دارد؛ از جمله در میان غربی‌ها رد شدن از زیر نردبان و افتادن نمکدان و هدیه‌دادن چاقو به شدت به فال بد گرفته می‌شود (طریقه‌دار، ۱۳۷۹: ۱۶۷ و ۱۷۰). در تصویر شماره ۲ از نگاره‌های فالنامه دوره صفوی به موضوع داستان اصحاب کهف اشاره دارد و در صفحه روبه‌روی آن متن فالی آمده است که گویای تلاش نگارگر برای ایجاد تناسب بین آن دو است.



تصویر ۲-نگاره اصحاب کهف و متن فال آن، کتاب فالنامه مربوط به دوره صفوی. مأخذ: (اخوانی، محمودی: ۱۳۹۸).

آیت‌الله مکارم شیرازی گویند: فال نیک مسئله مهمی نیست بلکه غالباً اثر مثبت دارد؛ ولی با عوامل فال بد همیشه باید مبارزه کرد و آن‌ها را از افکار دور ساخت و بهترین راه برای مبارزه با آن، تقویت روح توکل و اعتماد بر خدا در دلهاست همان طور که در روایات اسلامی نیز به آن اشاره شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶: ۱۶/۳۱۹).

جهان مسخر من شد به اشتهار سخن به فال خوب گرفتم غزال معنی را (بیت ۸، غزل ۱۵، ۲۲۶)

در تصویر شاره ۳ از نگاره های فالنامه دوره صفوی، هنرمند سعی کرده است با استفاده از نمادهای ضریح مرقد امام علی (ع) از نمادها برای نشان دادن خیر و نیکی برای تفأل استفاده کند.



تصویر ۳-نگاره هلاکت مره بن قیس به دست امام علی(ع)، فالنامه فارسی موزه توپ قاپی. مأخذ: (اخوانی، محمودی: ۱۳۹۸).

۴,۹. طالع

طالع در اصل به معنی برآینده و صعودکننده است. لغت‌نامهٔ دهخدا، ذیل طالع (اما در نجوم، درجه‌ای است از دایره البروج یا برجی که در وقت معین) مثلاً موقع ولادت کسی (برافق شرقی در حال طلوع باشد. اگر آن وقت هنگام تولد شخصی باشد طالع را طالع آن شخص و اگر اول سال شمسی باشد آن را طالع سال گویند. طالع در احکام نجوم و تنظیم زایجه اهمیت بسیار دارد. طالع، مشهورترین واژهٔ نجوم احکامی است. اهل احکام طالع شخص را در سرنوشت او و طالع سال را در وقایع سال مؤثر می‌دانند (دایره‌المعارف فارسی، ذیل طالع).

حاج اسماعیل سبزواری میگوید: اگر کسی بخواهد مطلع شود که پیش آمد و سرنوشت مولودی چگونه خواهد بود، طریقه‌اش این است که منجم ماهری را خبر کند، منجم نظر می‌کند که حین تولد طفل کدام یک از بروج طالع بوده و سبعةٔ سیارات در کجا هستند و چه حالی دارند و کوكب غالب کدام است و سی درجه سی درجه حساب می‌کند به قاعده‌های که خودشان دارند، درجهٔ اولادش مثلاً چند تا هست؛ این مولود عقیم است یا صاحب اولاد، اولادش پسر است یا دختر، پسر چند تا است و دختر چند تا، زن چه در طالعش هست، درجهٔ دولت و فقرش را نگاه میکند و هكذا الی آخر (سبزواری، بی‌تا: ۱۴ و ۱۵). درواقع انسان از آغاز پیدایش با روح کنجکاو خود همواره در پی یافتن پاسخی برای سؤالات بیشمار خود بوده است: جهان هستی چگونه شکل گرفت؟ خورشید و ستارگان چگونه پدید آمده‌اند؟ زندگی چیست؟ آیا سرنوشت هر انسان از قبل مشخص شده است؟ و هزاران سؤال دیگر.

در آغاز او برای هر واقعه و پدیده، خدایی قائل بود. یعنی تصور می‌کرد اگر سیل می‌آید یا طوفان رخ می‌دهد، خدایان خشمگین شده‌اند. طالع بینی اولیه نیز براساس تأثیر ستارگان آسمان بر سرنوشت بشر و دیگر جانداران و حتی گیاهان پای گرفت. طالع بینان نخستین، همهٔ پیکره‌های آسمانی را صاحب عقل و شعور می‌دانستند و آنان را خدایانی تصور

می‌کردند که تمام حرکات و پدیده‌های زمینی را تحت کنترل دارند و آن‌ها را مسئول هر واقعه خوب یا بد در روی کره زمین می‌پنداشتند.

در حقیقت طالع‌بینی در ابتدا با خرافات و موهومات و سحر و جادو آغشته بود؛ ولی بعدها راه خود را جدا کرد و حتی امروزه در برخی از دانشگاه‌ها تدریس می‌شود. طالع‌بینان در ابتدا فقط پنج سیاره را شناخته بودند زحل، مشتری، مریخ، زهره، عطارد. ولی با رشد و تکامل علم نجوم بعدها سه سیاره دیگر به نام‌های پلوتون، نپتون و اورانوس نیز کشف شدند و امروزه این هشت سیاره به همراه ماه و خورشید، مبنای کار طالع‌بینان قرار می‌گیرد.

در نجوم احکامی برای انجام هر کار سوای کارهای عادی و روزمره مراجعه به تقویم و یافتن طالع و اختیار وقت مناسب توصیه شده است؛ مثلاً برای نو بریدن، نکاح، سفر کردن، زراعت، دیدار پادشاه، جلوس بر تخت، آغاز جنگ، شروع به تعلیم، سفر دریا، حمام رفتن، حجامت کردن، مسهل خوردن، ختنه کردن، برده خریدن، چهارپای خریدن و کارهای دیگری از این قبیل (فرهنگ اصطلاحات نجومی، ذیل طالع). در متون ادب فارسی براساس همین باور، «طالع» فراوان به کار رفته و به سعد و نحس بودن آن اشارات بسیار شده است.

طالع سعد، طالع همایون، طالع مهر، طالع روشن، طالع فیروز و طالع سست، طالع نارسا، طالع وارون، طالع پست در ابیات زیر نشان‌دهنده توجه تأثیر تبریزی شاعر بزرگ عهد صفوی به طالع است:

در طالع سعادت ما اوج دیگرست	بر استخوان صبح نشیند همای ما (بیت ۵، غزل ۱۷۲، ۲۸۵)
همایون طالعی کاسوده شد در سایه عشقت	طپیدن استخوانش را پر و بال هما گردد (بیت ۳، غزل ۵۵۷، ۴۲۵)
ز طالع مهر انور بوده گویا کوكب بختش	که تا گوید سخن تأثیر عالمگیر می‌گردد (بیت ۸، غزل ۶۴۵، ۴۵۵)
آن پادشاه حسن که از طالع روشن	مه گشته مدور که زند سکه به نامش (بیت ۲، غزل ۹۹۶، ۵۷۹)
از بخت سیه عیش و طرب رخ نماید	هر جا که تو با طالع فیروز نباشی (بیت ۳، غزل ۱۳۷۵، ۷۱۵)
از سستی طالع نرسیدیم به جایی	غمنامه ما بسته مگر بر پر کاهست (بیت ۷، غزل ۳۶۳، ۳۵۶)
طالع ما نارسا ناز و غرور او رسا	کی به داد درد ما آن بی مروت می‌رسد (بیت ۲، غزل ۷۴۰، ۴۸۹)
به یاد مهوشی بر طالع وارون نظر کردم	شعاع مهر میل سرمه بخت سیاهم شد (بیت ۲، غزل ۷۵۸، ۴۹۵)
گرچه از طالع پستست زمینگیر سخن	معنی تند بر آن بال و پری می‌گردد (بیت ۵، غزل ۸۱۷، ۵۱۷)

در تصویر شماره ۴ نیز که از نگاره‌های فالنامه دوره صفوی است از ماه‌ها به‌عنوان نماد تقویمی برای پیشگویی رویدادهای ماهیانه استفاده شده است.



تصویر ۴-نگاره بروج دوازدهگانه، فالنامه فارسی موزه توپ قاپی، مأخذ: (اخوانی، محمودی: ۱۳۹۸).

۴.۱۰. ابزار طالع بینی

اسطرلاب که به صورت‌های استرلاب، اصطرلاب، سترلاب، سطرلاب و صلاب نیز نوشته می‌شود، دستگاه کوچکی است که برای تعیین بعضی مشخصات زمان، مکان و آسمان به کار می‌رفت و به فارسی جام جم نامیده می‌شد؛ ولی به تدریج کلمه یونانی اسطرلاب برای آن متداول شد. اسطرلاب رایج و معمولی، دستگاه و صفحه مدور فلزی بود که از جنس برنز یا برنج و یا آهن، فولاد و تخته، به طرز بسیار دقیق و ظریفی ساخته می‌شد؛ از آن برای مطالعات و محاسبات کارهای نجومی، از قبیل پیدا کردن ارتفاع و زاویه آفتاب، محل ستارگان، سیارات و منطقه البروج و تعیین ساعات طلوع و غروب یکایک ستارگان و سیاراتی که نام آن‌ها بر شبکه اسطرلاب نقش بسته بود، استفاده می‌شد و همچنین در دوره اسلام نیز برای تعیین ساعات نماز از آن بهره می‌جستند؛ قابل ذکر است که در هنگام استفاده از دستگاه مذکور، هیچ احتیاجی جهت به کار بردن و دانستن فرمول‌های ریاضی نبود.

طریقه استفاده از آن به این ترتیب بود که ریسمان علاقه اسطرلاب را به دست می‌گیرند، به طریقی که اسطرلاب آویزان شده و کاملاً آزاد باشد. نور قرص خورشید را از میان دو سوراخی که در وسط روزنه خطکش عضاده که سوراخ محل نگریستن است از یک سوراخ به سوراخ دیگر هدایت می‌کنند، به ترتیبی که بر درجاتی که بر پیرامون دایره نوشته شده است بتابد، مقدار آن خوانده می‌شود که همان زاویه ارتفاع آفتاب است (غزنی، ۱۳۵۴: ۱۲-۱۳).

برای ارتفاع قدر او گردون منجم سان به کف گیرد چو اسطرلاب ربعی ارض مسکون را (بیت ۱، غزل ۱۰۶،

(۲۶۱)

برای ارتفاع حمق او تأثیر اگر باشد
چو اسطرلاب نگذاری ز کف آخوند سطحی را (بیت ۱۱، غزل ۱۳۸، ۲۷۳)

زیج معرب زیگ است و آن کتابی است که منجمان احوال و حرکات افلاک و کواکب را از آن معلوم می‌کنند و همچنین از آن تقویم استخراج می‌کنند (لغت‌نامهٔ دهخدا، ذیل ذیج).

کرلو آلفونسو نلینو دانشمند ایتالیایی و شرق‌شناس بزرگ معاصر در کتاب تاریخ نجوم اسلامی می‌نویسد:

«از یاج یا زیجات یا زیجه در اصل از زبان پهلوی است که در زمان شاهان ساسانی در میان ایرانیان رایج بوده و در این زمان زیگ می‌گفتند و زیگ به معنی تارهای پارچه است که پود در میان آن‌ها بافته می‌شود و سپس ایرانیان این اسم را به ملاحظهٔ شباهت خط‌های جداول عددی با تارهای نساجی بر این جدول نهادند و زیج‌ها کتاب‌هایی همه به جداول ریاضی بوده که هر محاسبهٔ نجومی از روی آن‌ها صورت می‌گرفته و غالباً قوانین استفاده از این کتاب‌ها و جداول بدون برهان هندسی آمده بود» (آلفونسو نلینو، بی‌تا: ۵۳). به‌طور کلی زیج مجموعهٔ جدول‌هایی است که از روی آن‌ها مواضع ستاره‌ها و سیارات را در روزهای مختلف سال می‌توان استخراج کرد (مشکوه، ۱۳۷۲: ۱۳).

زیج در عشق چو من کس نتواند بستن
من ز تبریزم اگر خواجه نصیر از طوسست (بیت ۴، غزل ۳۲۰، ۳۳۹)

اشک از دیده فشاند و کواکب بینند
عاشقان راست دگر زیجی و دیگر رصدی (بیت ۳، غزل ۱۳۸۱، ۷۱۷)

نتیجه‌گیری

بخش مهمی از مضامین مورد توجه در آثار ادبی و هنری اشارات مستقیمی به فرهنگ عامیانه و آداب و رسوم دارد. در فرهنگ ایران کهن، موضوع فال و فال‌گیری مطرح بوده است و دورهٔ صفویه یکی از ادوار تاریخی است که این موضوع مورد توجه بود و منجر به تألیف آثاری چون فالنامه یا اشعاری با این مضامین شده است که اشعار محسن تأثیر تبریزی یکی از این مجموعه اشعار است. در این پژوهش، فرهنگ و باور عامیانه به فال و طالع، که در عصر تأثیر تبریزی میان مردم رواج داشته انعکاس داده شده و شاعر این تجربیات و تفکرات را در قالب نظم به خواننده منتقل نموده است. اشعار تأثیر تبریزی ریشه در فرهنگ مردم دارد؛ زیرا وی باورهای مردم آن دوره را در مورد مسائل فرهنگی بیان کرده است و با این کار اطلاعات گسترده‌ای در مورد نگرش مردم زمان خود درباره فال و طالع را به خواننده انتقال می‌دهد، پس با تعمق در این ابیات پی می‌بریم که بسیاری از این اعتقادات به مرور زمان با پیشرفت علم و آگاهی مردم از بین رفته و یا تغییر کرده، اما برخی باورها به قوت خود باقی مانده و گذر زمان هیچ تغییری در آن نداده است همچون استخاره و برخی از روش‌های فال‌بینی.

منابع

کتاب‌ها

- آلفونسو نلینو، کرلو. (بی‌تا). تاریخ نجوم اسلامی، ترجمه احمد آرام، تهران: کانون نشر پژوهش‌های اسلامی.
- الثاریوس، آدم. (۱۳۶۳). سفرنامه آدم الثاریوس، ترجمه احمد بهپور، تهران: انتشارات سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار.
- تأثیر تبریزی، محسن. (۱۳۷۳). دیوان محسن تأثیر تبریزی، به تصحیح امین پاشا اجلالی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۶۶). حافظ‌نامه، تهران: انتشارات سروش.
- خیام، عمر. (۱۳۷۹). نوروزنامه، به اهتمام علی حصوری، تهران: نشر چشمه.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۵۵). لغت‌نامه دهخدا، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. (بی‌تا)، یادداشت‌ها و اندیشه‌ها، تهران: انتشارات جاویدان.
- سبزواری، اسماعیل. (بی‌تا)، جامع‌التورین مشهور به انسان، به اهتمام سید محمود کتابچی مدبر، کتابفروشی علمیة اسلامیة.
- صفی‌پوری، عبدالرحیم. (۱۳۴۷). منتهی‌الارب فی لغت العرب، بی‌نا.
- طریقه‌دار، ابوالفضل. (۱۳۷۹). کندوکاوی در باره استخاره و تفأل، تهران: انتشارات دفتر اسلامی.
- غزنی، سرافراز. (۱۳۵۴). اسطرلاب یا شمارشگر نجومی، تهران: انتشارات علمی وزارت علوم و آموزش عالی.
- کلیور رایس، کلارا. (۱۳۸۳). زنان ایرانی و راه رسم زندگی آنان، ترجمه اسدالله آزاد، تهران: نشر کتابدار.
- ماسه، هانری. (۱۳۵۷). معتقدات و آداب ایرانی، ترجمه مهدی روشن ضمیر، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۶۹). مفاتیح‌الغیب فی الاستخاره، قم: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- مشکوه، فرزاد. (۱۳۷۲). آسترولوژی یا نجوم احکامی، بی‌جا: بی‌نا.
- مصاحب، غلامحسین. (۱۳۴۵). دایره‌المعارف فارسی، بی‌جا: بی‌نا.
- مصفا‌تلی، ابوالفضل. (۱۳۸۱). فرهنگ اصطلاحات نجومی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- معلوف، لوئیس. (۱۹۱۳). فرهنگ المنجد، لبنان: چاپ بیروت.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۶۶). تفسیر نمونه، قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

هدایت، صادق. (۱۳۸۵). فرهنگ عامیانه مردم ایران، چ ۵، تهران: چشمه.

مقالات

اخوانی، سعید؛ محمودی، فتانه. (۱۳۹۸). «تحلیل مضامین بصری فالنامه های مصور عصر صفوی بر مبنای کاربرد در امر پیشگویی (مطالعه موردی: نگاره‌های نسخه فالنامه فارسی موزه توپقاپی سرای)»، نگره، ش ۴۹، ۳۷-۱۹.

حایری، محمدحسن. (۱۳۸۸). «سبک هندی و ناگفته‌های آن»، مجله تاریخ ادبیات دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۶۱/۳.

خسروی، شعیب و نجفی، عیسی و نورایی، الیاس. (۱۳۹۷). «تحلیل جایگاه فرهنگ عامه ایرانی در غزلیات بیدل دهلوی»، دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه، دوره ۶، شماره ۲۴، ۱۴۳-۱۱۷.

طاهری، قدرت‌الله. (۱۳۸۹). «چهار فرضیه در علل نبود تفکر بنیادین در سبک هندی»، کهن‌نامه ادب پارسی، شماره ۲.

غنی‌پور ملک‌شاه، احمد و دیگران. (۱۳۸۷). «سبک هندی و مدعیان پیشوای آن»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، شماره ۶۰-۴۳، ۲۰.

کاردگر، یحیی. (۱۳۹۰). دوگانگی سبکی در سبک هندی، فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، شماره ۶، ۱۱۴-۸۹.